

بازتاب تحولات اجتماعی در ساختار فضایی شهر قدیم گرگان در دوران اسلامی

عابد تقوی^۱

(تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۱۴، تاریخ تصویب: ۸۹/۱۱/۱۵)

چکیده

در پژوهش‌هایی که اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی صورت می‌دهند، توجه به رویکردهای تاریخی جامعه‌شناسی شهر، نقطه اشتراک مطالعات جامعه‌شناسی با علوم دیگری نظیر تاریخ، جغرافیا، انسان‌شناسی و باستان‌شناسی است. از این منظر مطالعه سیر تحول تاریخی شهر در بستر زمان و بررسی تغییرات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه شهری، زمینه مناسبی برای انجام تحقیقات علوم میان‌رشته‌ای چون مطالعات اجتماعی و باستان‌شناسی محسوب می‌شود. عموماً انسان‌شناسی و به‌طور اخص باستان‌شناسی از جمله علمی هستند که به بازسازی تحولات اجتماعی و شناسایی رفتارهای پیچیده انسانی براساس بقایای مادی و ملموس گذشته می‌پردازند.

پهن‌دشت گرگان به‌عنوان یکی از مراکز مهم تمدن در شمال ایران، از دوران پارینه‌سنگی جدید تا به امروز همواره زیستگاه انسان بوده است. شهر قدیم‌گرگان واقع در بخش مرکزی دشت گرگان، مهم‌ترین بخش این پهن‌دشت فرهنگی به شمار می‌آید. این شهر در عصر ساسانی به صورت قلعه‌ای نظامی با برج و باروهای بلند آرایش یافته بود و از قرون اولیه اسلامی تا دوره ایلخانی به‌طور مداوم در قالب "شهر" از مراکز مهم سلسله‌های اسلامی زیاریان، علویان، سامانیان و سلجوقیان به شمار می‌آمده است.

مقاله حاضر برآنست تا با استفاده از یافته‌های باستان‌شناسی و روش تحلیل تاریخی، بازتاب تحولات اجتماعی را در فضاهای شهری گرگان‌دوران اسلامی مطالعه کند و از ترکیب جمعیتی محلات و طبقه‌بندی آن‌ها برحسب موقعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سخن بگوید.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناسی شهر، تحولات اجتماعی، شهر قدیم گرگان، دوران اسلامی، رویکرد تحلیل تاریخی.

طرح مسئله، اهداف و ضرورت تحقیق

از دیرباز، مفهوم شهر در پژوهش‌های حوزه علوم اجتماعی، محل بحث بسیاری از جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و از جمله محققان باستان‌شناس بوده است. شهر به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، نمایان‌کننده شرایط اقلیمی و طبیعی و ارائه‌کننده شکل مناسبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه است (یوسفی فر، ۱۳۸۴: ۲۲۹). از این‌رو، پرداختن به مقوله شهر از ابعاد گوناگون بر پیچیدگی‌های تعریف و تبیین ویژگی‌های خاص آن افزوده است. به‌طوریکه منجر به ظهور نظریه‌های متعددی درباره پیدایش و چگونگی تکامل شهرها شده است. از دلایل اصلی این پیوستگی، ماهیت مطالعاتی میان علوم یاد شده است که محور اصلی آنرا انسان و رفتارهای وی تشکیل می‌دهد (کوئن، ۱۳۸۴: ۱۸). به همین منظور، استفاده از راه‌یافته‌های علوم میان‌رشته‌ای هم‌چون باستان‌شناسی، می‌تواند در تحلیل دقیق و مستند سیر تطوری نقش انسان در فرآیند تکاملی شهر مفید واقع گردد. از آن‌جا که هر شهری در بستر زمان و مکان شکل گرفته، گسترش یافته و در نهایت به نقطه زوال رسیده است، بهره‌گیری از رویکرد روشمند تحلیل تاریخی به سیر تحولات اجتماعی و تاریخی شهر در بستر زمان و مکان، از یک‌سو به فهم و درک منطقی از ساختار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه مورد مطالعه کمک می‌کند و از سوی دیگر در پیش‌بینی شهرهای نوین‌آینده راهنمایی مفید خواهد بود. از این‌رو در این مقاله، کوشیده‌ایم با محوریت مطالعه بر روی شهر قدیم گرگان و بهره‌مندی از این رویکرد به نتایج متقن و مستند دست یابیم.

موقعیت خاص سیاسی و ژئوپولیتیکی ایران در سده‌های میانی اسلام و نقش شهرها در تحولات اجتماعی و نیز تبیین ویژگی‌های جامعه‌شناختی شهرهای این دوره از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در این مقاله است. جغرافیای سیاسی شمال ایران با توجه به

^۱. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شیراز

قرارگرفتن در محل برخورد و کشمکش گروه‌های سیاسی و حکومت‌های محلی اسلامی و حضور شهرهای مهم و تأثیرگذار در این منطقه، فضایی مناسب را برای بررسی تحولات اجتماعی این حوزه جغرافیایی فراهم کرده است. دوام فرهنگی و حیات اجتماعی از قرون اولیه اسلامی تا هجوم ویرانگر مغول و نیز انبوه اطلاعات تاریخی و جغرافیایی، دلیل منطقی برای مطالعه موردی بر روی شهر قدیم گرگان بوده است. افزون بر این، وجود یافته‌های متنوع باستان‌شناسان اعم از بقایای مادی انسانی و بقایای معماری و شهرسازی، موجب شد که سهم عمده‌ای از تحلیل‌های این نوشتار به آن اختصاص یابد.

به طور کلی، هدف اصلی مقاله حاضر تبیین سازمان اجتماعی شهر قدیم گرگان در بازه زمانی قرن اول تا هفتم هجری قمری بر اساس رویکرد تحلیل تاریخی است.

۲. پیشینه و سؤالات تحقیق

اغلب پژوهش‌های انجام شده در حوزه شهر و شهرنشینی ایران در دوران اسلامی معطوف به مباحث فنی معماری و شهرسازی و بیان ویژگی‌های ساختاری و تحلیل کالبدی فضاهای شهری بوده است. به طوری که نسبت به بافت کهن شهرهای دوران اسلامی تحقیقات اندکی از منظر مبانی و اصول علوم اجتماعی صورت گرفته است (اشرف، ۱۳۵۲؛ سلطان‌زاده، ۱۳۶۵؛ ممفورد، ۱۳۸۱). از آن جا که تمرکز مطالعات در باستان‌شناسی اجتماعی بر ساختار و شاخص‌های اجتماعی جوامع باستانی براساس یافته‌ها و بقایای مادی انسان است (عبدی، ۱۳۷۹: ۱۰۸) و از سوی دیگر، پژوهش‌های باستان‌شناسان در شناخت شهرهای تاریخی ایران، جایگاه حیاتی شهر را بیش از پیش مهم دانسته است، از این روانجامین تحقیق را می‌توان به نوعی، هم‌پوشانی مطالعات باستان‌شناسی و تحقیقات جامعه‌شناختی در شهرهای اسلامی قلمداد کرد. زیرا انطباق بسیاری از یافته‌های این دو حوزه می‌تواند به بازشناسی ساختارها و پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی منجر شود. حال با آگاهی از چگونگی ظرافت‌های موجود در بررسی تحولات اجتماعی، می‌توان از دو منظر جامعه‌شناسی و باستان‌شناسی پرسش‌های زیر را مطرح کرد.

۱. با توجه به منابع مکتوب و یافته‌های باستان‌شناسان، آیا شهر قدیم گرگان بر پایه ساختار اجتماعی شهرهای قرون میانی اسلام بنیان نهاده شده است؟
۲. عملکرد اصلی شهر چیست و یا به تعبیری دیگر، گرگان جزء کدام دسته از شهرهای ایران محسوب می‌شود؟
۳. متغیرهای مؤثر در تکوین، توسعه و زوال شهر گرگان در دوران اسلامی کدام‌اند؟

۳. روش‌شناسی

بی‌شک مطالعه شهری تاریخی و کهن‌نظیر گرگانه بهره‌گیری از منابع مکتوب تاریخی و جغرافیایی هم‌زمان با حیات شهر نیازمند است. این منابع که از آن‌ها به منابع دسته اول تعبیر می‌شود، نقش مهمی در بازسازی و شناخت هرچه بیشتر فضای اجتماعی و سیاسی آن دوره دارد. تاریخ‌های عمومی و محلی، متون جغرافیایی قرون اولیه و میانی دوران اسلامی و سفرنامه‌ها از دیگر موارد مورد مطالعه در این تحقیق به شمار می‌آیند. از سوی دیگر، استفاده از یافته‌های جدید باستان‌شناسی از شهر قدیم گرگان، هم‌چون داده‌های معماری و شهرسازی، اشیاء و آثار مکشوفه سهم زیادی در تحلیل‌های جامعه‌شناختی ایفا می‌کنند. نگارنده تلاش می‌کند با استفاده از رویکرد تحلیل تاریخی به درک منطقی از تحولات اجتماعی شهر در قرون اولیه و میانی اسلامی دست یابد. در این رویکرد، هریک از عناصر اصلی فضاهای شهری، شاخص جریان‌ها و تغییرات اجتماعی در شهر قلمداد می‌شوند. به گونه‌ای که با توسعه و بروز تغییر در کالبد شهر در ادوار مختلف، فرآیندهای دگرگونی در ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه شهری رخ خواهد داد. بنابراین جابه‌جایی در هریک از عناصر، تابعی از تغییرات اساسی در مناسبات مختلف جامعه خواهد بود. از این رو می‌توان مقاله حاضر را ترکیبی از یافته‌های تاریخی، جغرافیایی و باستان‌شناسی از یک شهر دانست که در چارچوب تحولات جامعه‌شناسی شهر تدوین شده است.^۲

^۲ ذکر این نکته ضروری است که نگارنده، مدعی ارائه الگو و مدلی بومی از شهرهای ایران دوران اسلامی در مقطع زمانی مورد بحث از منظر جامعه‌شناختی نیست.

۴. نظری اجمالی به تحولات اجتماعی ایران در قرون اولیه و میانی اسلامی

با فروپاشی شاهنشاهی ساسانی و فتح مناطقی از ایران به دست اعراب، تغییرات بنیادی در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران پدید آمد. اعراب با به اجرا درآوردن جهان‌بینی اسلامی و تبلیغ آن در ممالک مفتوحه، بخش اعظم مناطق شرقی از جمله ایران را به پذیرش دین اسلام سوق دادند. موقعیت راه‌بردی و حساس ایران در فرآیند مبادلات اقتصادی، به تلاش‌های جدی در زمینه توسعه روابط تجاری میان کشورهای مستعمره عرب منجر شد. به طوریکه نخستین بار، در دوران زمامداری خلافت‌امویان، آغاز رشد بورژوازی (سرمایه‌داری) در جهان اسلام را شاهدیم (راوندی، ۱۳۶۴: ۵۸). اگرچه مناقشات سیاسی و حملات پی‌درپی اعراب به ایران آسیب زیادی به شهرهای عصر ساسانی وارد کرد، در اندک زمانی موجب حیات دوباره شهرها گردید. زیرا فعالیت‌های اقتصادی با تولیدات کشاورزی و صنعتی زمینه را برای پویایی اجتماعی جغرافیای سیاسی ایران مهیا ساخت. این رخداد که با ظهور حکومت‌های محلی در خراسان بزرگ و شمال ایران همراه شد، اوضاع اقتصادی را بهبود بخشید. بسیاری از خراج‌ها و مالیات‌های اخذشده به مصارف زیرساختی کشور نظیر حفر قنات‌ها در جهت آبیاری و آبادانی شهرها اختصاص یافت. تجهیز شبکه ارتباطی و حمل و نقل دریایی در بنادر جنوبی چون سیراف، توسعه زیربنایی صنایع با ایجاد کارگاه‌های نساجی در شهرهای شیراز و اصفهان از دیگر اقدامات عمرانی حکومت‌های اسلامی سامانی، آل بویه و سلجوقی به شمار می‌آید (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۸۸-۸۲). ایران در قرون اولیه اسلامی به دلیل نداشتن یکپارچگی سرزمینی و نظام سیاسی مستقل همواره با نزاع‌های دامنه‌دار میان سلسله‌های مختلف مواجه بوده است. خلافت عباسی نیز با اخذ مالیات و خراج سنگین به واسطه‌الایانی که در قرون دوم و سوم بر بخش‌هایی از قلمرو حکومت‌های محلی گسیل می‌داشت، بر بحران سیاسی این دوره می‌افزود. مخالفت‌های مردمی علیه خلافت عباسی منجر به شورش حکومت شیعی مذهب آل بویه و در نتیجه فتح بغداد شد. ولی طولی نکشید که با به قدرت رسیدن ترکان غز در ماوراءالنهر و تشکیل حکومت سلجوقیان و تصرف بخش‌های وسیعی از جغرافیای تحت تسلط عباسیان، ساختارهای جدید دیوان‌سالاری و تشکیلات اداری و سیاسی ایجاد شد. سلاجقه به دنبال آن برای مشروعیت بخشیدن به حکومت، اقدامات مهمی نظیر احیای مذهب تسنن و ایجاد تشکیلات نظامی، تجدید پیوند دین و دولت، نظارت جدی بر نظام آموزشی، تجدید نظر در سازمان اداری کشور و دیوان‌سالاری را برای همراهی کردن با ایدئولوژی اسلامی خلافت عباسیان در پیش گرفتند (کلوزنر، ۱۳۶۳: ۱۵). به عبارت دیگر تعامل دو سویه نهاد‌های سیاسی (حکومت سلجوقی) و دینی (خلافت عباسی) که در مفهوم «سلطان» و «خلیفه» تجلی یافت، سرانجام موجب تقویت زیرساخت‌های اداری سلجوقیان و خلافت عباسی گشت. به طوریکه در دوران اوج حکومت ایشان، یعنی پادشاهی آل ارسلان و جلال‌الدین ملک‌شاه، تحولات عظیمی در حوزه فرهنگ و علوم اسلامی با تأسیس مدارس دینی نظامیه در سرزمین‌های شرقی جهان اسلام رخ داد. خواجه نظام‌الملک طوسی به عنوان مؤسس این مدارس، سهم قابل توجهی در رشد و گسترش علوم شرعی و کلامی مذهب شافعی داشته است. وی با احداث مراکز علمی فوق در بخش‌هایی از خراسان بزرگ و عراق توانست بخش اعظمی از جامعه اسلامی آن روز را تحت پوشش عقاید و باورهای مذهبی خود قرار دهد و موجبات وحدت دیوان‌سالاری سازمان‌یافته در درون طبقات مذهبی را فراهم سازد (لمبتون، ۱۳۸۱: ۲۱۱). نظام فئودالی اقتصاد که بر اساس کشاورزی و دامداری شکل گرفته بود، با بهره‌کشی کارگران و سود مالکانه و پولی منجر به قشربندی اجتماعی ناعادلانه در سطح وسیعی از شهرهای این دوره گردید (ادیبی، ۱۳۵۴: ۵۱-۴۹). از مؤلفه‌های اصلی در بازسازی حیات اجتماعی ایران در قرون میانی اسلام می‌توان به شهرهای این دوره اشاره کرد. شهر به عنوان بستری بستری مستعد و پویا، منشأ و جایگاه مناسبی برای تحلیل‌های اجتماعی محسوب می‌شود. زیرا با مطالعه آثار و بقایای شهر از طریق کاوش‌های باستان‌شناسی و متون تاریخی و منابع جغرافیایی، می‌توان به نقش هر یک از نهادهای مدنی در تحولات اجتماعی پی برد.

۱.۴. تحولات اجتماعی شهرهای ایران در قرون اولیه و میانی اسلامی

در بحث از ریخت‌شناسی شهر ایرانی در دوران اسلامی می‌توان به دو گونه متمایز اشاره کرد. گونه اول شهرهایی هستند که بر اساس رتبه‌بندی و سازمان اجتماعی قبل از اسلام (عصر ساسانیان) شکل گرفته بودند و به سه بخش کهن‌دژ، شارستان و ربض تقسیم می‌شدند و گونه دوم شهرهایی هستند که با همان ساختار سه‌بخشی شکل گرفته و در ادامه با توسعه فیزیکی منطقه ربض به ساختاری مستقل با تمامی عناصر شهری شامل ارگ، مسجد جامع، محلات و بازار تبدیل شدند. در قرون اولیه اسلام (قرن اول

تا چهارم ق) سازمان‌های دینی در شالوده زندگی شهری اهمیت زیادی پیدا می‌کنند و مسجد جامع از اجزای اصلی نظام اجتماعی شهر قلمداد می‌شود. هم‌چنین شهرهای این دوره با روستاهای پیرامون در نظام‌های منطقه‌ای پیوند می‌خورند و مجموعه همبسته‌ای را به وجود می‌آورند. اساس این پیوند را همبستگی جدایی‌ناپذیر میان صنایع دستی و بازرگانی با فعالیت‌های کشاورزی تشکیل می‌داد. محلات شهر بیشتر بر اساس نوع مذهب، قومیت و یا حرفه افراد سازمان‌دهی می‌شد (اشرف، ۱۳۵۲: ۱۰-۱۲). همان‌طور که اشاره شد، شهرهای ایران در گوناگونی عناصر و کالبد شهری از بخش‌های مختلفی چون ارگ یا کهن‌دژ، شارستان و ربض تشکیل می‌شده است. ارگ مقر حکومتی و جایگاه مدیریت سیاسی و سازمان اداری شهر به شمار می‌آمده که ساختار دفاعی و امنیتی، ویژگی بارز آن است. محله‌های مسکونی یا شارستان نقطه اتصال زندگی شهری با نظام حکومتی قلمداد می‌شده است. زیرا قرارگیری بازار در این بخش به فضاهای شهری موجودیت کاربردی و کالبدی می‌داده است (فلامکی، ۱۳۶۶: ۱۳-۱۱). هم‌چنین احاطه فضای مسجد به وسیله بازار- مرکز اقتصادی شهر و محلی برای قدرت‌نمایی اقتصادی حکومت - و میدان اصلی موجب نظم‌گرفتن سازمان فضایی می‌شد (حبیبی، ۱۳۸۴: ۴۷-۴۶). بخش ربض یا سواد هم شامل روستاها و سکونتگاه‌های کشاورزان و گاه پیشه‌وران بود که پس از مدتی به شکل بخش توسعه‌یافته شارستان درآمد (فریور صدی، ۱۳۸۰: ۶۱۸). قرن چهارم هجری مصادف با اوج دگرگونی‌ها و تجدید حیات علمی و ادبی در ایران با به قدرت رسیدن حکومت محلی زیاریان در شمال ایران به مرکزیت ری و گرگان و تشکیل حکومت شیعی آل بویه است. بازگشت و احیای مجدد مراسم کهن ایرانی در چارچوب ایدئولوژی مذهب شیعه در برابر خلافت مقتدر عباسی، تحولی کلی در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آورد. از سویی دیگر سامانیان در بخش‌های ماوراءالنهر انقلاب فرهنگی دیگری به راه انداختند که موجب تبدیل شهر به مکانی متعلق به تمامی اقشار و طبقات اجتماعی شد. رونق انجمن‌های صنفی و پیچیدگی فعالیت‌های دامنه‌دار به همراه توسعه تجارت و شکوفایی اقتصادی، از دستاوردهای این دوره به شمار می‌آید (حبیبی، ۱۳۸۴: ۷۱-۶۸).

همان‌طور که اشاره شد، این تقسیم‌بندی در شهرهای عصر سلجوقی شکل پیچیده‌تری به خود گرفت و منطقه ربض به صورت جداگانه، نقش اصلی را در حیات اجتماعی ساکنان شهر ایفا کرد. دلیل این امر، قدرت‌یافتن طبقه پیشه‌ور و بازرگان به‌عنوان دو بازوی اصلی اقتصاد شهری بوده است. بنابراین، علت اصلی رشد فضاهای مرتبط با ربض و گاه شارستان را در شهرهای عصر سلجوقی چون دقینوس جیرفت، بلقیس اسفراین، ری و گرگان قدیم، می‌توان تحولات جامعه شهری عصر سلجوقی و جابه‌جایی قدرت دینی با قدرت اقتصادی و گسترش مناسبات اقتصادی و تجاری دانست (یوسفی‌فر، ۱۳۸۴: ۲۲۶). هم‌چنین حجم انبوه مبادلات تجاری در قرون میانی به‌واسطه جاده استراتژیک ابریشم، باعث رشد و توسعه اقتصادی شهرهای مهمی چون نیشابور، گرگانو ری در مناطق شمال و شمال شرقی ایران شد. گفتنی است که قرارگیری گرگان در مسیر فرعی تجاری راه ابریشم، توسعه و رونق اقتصادی شهر رادر قرون میانی به همراه داشت (بارتولد، ۱۳۷۵: ۳۹).

استفاده بهینه از ظرفیت‌های حضور بازرگانان و تجار در بخش تجارت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تبدیل حرفه‌های سنتی کشاورزی و صنایع دستی به صنایع سودآور، موجب شد ایران به حلقه‌ای مطمئن در تجارت بین‌المللی در دو سوی شرق دور و غرب قرون وسطی تبدیل شود. برای مثال، می‌توان به شهرت شهرهایی چون نیشابور که مرکز اصلی محصولات صنعتی از قبیل پارچه‌های ابریشمی و زربافت و سنگ فیروزه بوده، اشاره کرد (راوندی، ۱۳۶۵: ۲۶۳). در دوره سلجوقی، اقتصاد مبتنی بر کشاورزی موجب احیای روش اقطاع و تیول‌داری شد. در این روش سازمان اقتصادی و تولیدی جامعه تحت سلطه دولت و در رأس آن شاه قرار گرفت و مقطع کاران به عنوان بازوی توانای حکومت در بهره‌کشی از طبقه فرودست جامعه و پذیرش سلطه و تقویت حیات سیاسی دولت از جانب آن‌ها نقش مهمی ایفا کردند. تیول‌داران با شناسایی بهترین و مرغوب‌ترین زمین‌های کشاورزی و مراتع، زمین‌های یکپارچه‌ای را در اختیار کارگران و کشاورزان می‌گذاشتند و با نظارت و کنترل درامر تولید محصول به امور تجاری و بازرگانی نیز می‌پرداختند. از آن‌جا که دولت در شهرها مستقر می‌شد و خزانه دولت سرشار از درآمدهای مالیاتی و اخذ عوارض زمین بود، شهرهای زیادی بر مبنای سلطه سازمان اجتماعی حاکم بنیان نهاده شدند. آسیب جدی این نوع سازمان‌یابی شهرها، اختلافات فرهنگی، مذهبی و قومی است که در جامعه عصر سلجوقی به خوبی قابل ملاحظه است. از سویی دیگر بهره‌گیری از نظام اعطای اقطاع در سیاست‌های فنودالی حاکمان سلجوقی، زمینه‌ساز رونق اقتصادی شهرهای ایران و تغییر در ترکیب اجتماعی سرزمین‌های تحت سلطه آنان شد؛ ولی در درازمدت موجب بروز انحصارگرایی و فساد مالی در دستگاه دیوانی و لشکری گردید. زیرا با تحمیل خراج‌های سنگین بر طبقه دهقانان توسط سپاهیان سلجوقی و

تأمین بخش وسیعی از هزینه‌های نظامی و دربار از راه زمین‌داری، بر مشکلات استفاده از روش مالکیت تیول افزود و زمینه‌ساز شکاف طبقاتی عمیق‌تری در جامعه سلجوقیان شد (لمبتون، ۱۳۷۷: ۱۲۲-۱۲۰).

بازتاب تحولات اجتماعی در ساختار فضایی شهرهای این دوره، به گونه‌ای بازگشت به شهرسازی دوران ساسانی را به خاطر می‌آورد. زیرا تشدید نابرابری‌های اجتماعی که بر اثر توزیع ناعادلانه ثروت و انباشتن آن در خزائن دربار و عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی بود، موجب شکل‌گیری سلسله‌مراتب فضایی در بافت شهری نیز شده است. محلات شهری بنا به موقعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی طبقه‌بندی شده‌اند و دارای مسجد، مدرسه، بازار، حمام و گورستان‌اند. به‌طور کلی شاخص کالبدی شهر دوره سلجوقی عبارت از یک میدان اصلی و بزرگ است (اغلب در میانه شهر) که در پیرامون کاخ‌ها و مسجد جامع و گاه بیمارستان قرار دارد. دهانه بازار به این میدان باز می‌شده و به زیرشاخه فرعی در سطح شهر گسترش می‌یابد (حبیبی، ۱۳۸۴: ۷۶-۷۷).

۲.۴. تحولات اجتماعی شهر قدیم گرگان و بازتاب آن در ساختار فضای شهری

شهر قدیم گرگان یکی از مهم‌ترین شهرهای قرون میانی دوران اسلامی ایران در شمال ایران به شمار می‌آید. این شهر که در پهن‌دشت فرهنگی گرگان^۲ واقع شده، از اواخر عصر ساسانی به صورت یکی از قلعه‌های نظامی ساسانیان شکل گرفت و در دوران صدر اسلام (قرون اول تا چهارم ق) توسعه اولیه خود را در دوران زمامداری حکومت‌های زیاریان و سامانیان تجربه کرد. عصر شکوفایی گرگان به روزگار حکمرانی سلجوقیان و خوارزمشاهیان بر می‌گردد. به نحوی که گسترش و توسعه فیزیکی شهر در این دوره اتفاق می‌افتد که در ادامه به تفصیل در باب آن بحث خواهیم کرد. آنچه در این میان اهمیت دارد این‌که تحولات اجتماعی چه بازتابی در ساختار فضایی شهر گرگان در دوران اسلامی داشته و چگونه می‌توان این تحولات را از درون یافته‌های باستان‌شناسی و معماری شهری کشف کرد.

بیشترین دانسته‌های ما از شهر قدیم گرگان از رهگذر نوشته‌های جغرافی‌نویسان قرن چهارم قمری به دست آمده است. کسانی چون مقدسی و ابن حوقل اشاراتی به جغرافیا، آداب و رسوم، ترکیب جمعیتی و ساختار فضایی شهر کرده‌اند. از نظر تقسیمات کشوری برخی گرگان را در محدوده ایالت خراسان و عده‌ای آن را جزء ولایت‌های طبرستان و قومس برشمرده‌اند (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۲۲-۱۱۲؛ ابن‌خردادبه، ۱۳۷۱: ۵۹؛ ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۵۰۶؛ انصاری دمشقی، ۱۳۸۲: ۳۲). مرکزیت ایالت گرگان، شهر «شهرستان» بوده که درحقیقت بخشی از شهر نیز محسوب می‌شده است (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹: ۱۸۰). بر اساس توصیفات ابن حوقل در قرن چهارم هجری، این شهر پس از شهرهای ری و عراق جامع‌ترین شهر ذکر شده و به دو محله اصلی شیعه‌نشین «شهرستان» و سنی‌نشین «بکرآباد» تقسیم می‌شده است. این دو محله به ترتیب در بخش‌های شرقی و غربی شهر قرار داشتند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۲۴). با توجه به اسناد موجود، ترکیب قومیتی جمعیت شهر مشتمل بر اهالی قومس (سمنان کنونی)، خراسان، طبرستان و گرگان بوده است. از سویی دیگر، ترکیب مذهبی و دینی جمعیت از دو اقلیت دینی شیعه (زیدیه و اسماعیلیه) و اکثریت سنی با فرق حنفی، حنبلی، کرامیه و نجاریه تشکیل می‌شده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۳۹-۵۲۴).

درباره بازسازی فضاهای شهری در قرون اولیه و میانی اسلامی، اطلاعات ارزشمندی از طریق منابع تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی به دست آمده است. عناصر اصلی بافت شهر شامل برج و بارو و حصار، ارگ، مسجد، معابر و خیابان‌های اصلی و فرعی به همراه بازار، مناطق مسکونی و کارگاه‌های صنعتی سفالگری، شیشه‌گری، فلزگری و مناطق مسکونی بوده است (کیانی، ۱۳۶۵: ۲۳۵-۲۳۱). به طور کلی دوره‌های مهم شهرسازی در این منطقه به دو دوره حکومت سامانیان و سلجوقیان محدود

^۲. باستان‌شناسان بقایای شهر قدیم گرگان را با مساحت تقریبی ۱۵۰ هکتار در نزدیکی شهر گنبدقاپوس کشف کردند. این شهر که یکی از شهرهای مهم دوران اسلامی ایران به شمار می‌رفته با مختصات جغرافیایی ۵۵ درجه و ۷ دقیقه طول جغرافیایی شرقی و ۳۷ درجه و ۱۵ دقیقه عرض جغرافیایی شمالی با ارتفاع ۱۵۰ متر از سطح آب‌های آزاد قابل شناسایی است. از ویژگی‌های محیطی این منطقه می‌توان به تابستان‌های گرم و زمستان‌های معتدل به همراه بارش‌های متناوب در فصول پاییز و زمستان اشاره کرد. مهم‌ترین مناطق طبیعی شهر شامل دو رودخانه گرگان‌رود و چهل‌چای و تپه ماهورهای کم‌ارتفاعی است که در بخش‌های مختلف دشت گنبد قاپوس پراکنده شده‌اند. به طور کلی شهر یادشده در اقلیم معتدل و مرطوب ناحیه خزری با وجود مؤلفه‌های طبیعی مساعدی نظیر منابع آب کافی و خاک رسوبی حاصل‌خیز قرار گرفته که با دارا بودن دشتی وسیع و بدون عوارض طبیعی، از دیرباز محیطی مناسب برای تشکیل و توسعه محل‌های سکونت انسانی محسوب می‌شده است.

می‌شود.^۴ مقایسه تطبیقی ساختار فضایی شهر در دوره یادشده نشان‌دهنده این است که در این دو دوره، نابرابری اجتماعی در تقسیم فضاهای شهری در بین ساکنان رخ داده است. به طوری که در مرحله اول (عصر سامانیان)، بخش شهرستان یا شیعه‌نشین از رفاه بیشتری نسبت به بخش سنی‌نشین بکرآباد برخوردار بوده است. نشانه‌های این پدیده در وجود عناصر اصلی شهر در بخش شیعه‌نشین، نظیر مسجد، مدرسه، بازار، ارگ و خندق مشاهده می‌شود. هم‌چنین در این دوره، شهر گرگان از نه کوی به نام‌های کوی سلیمان، قومسیان، راهحیان، کنده، بادنجان، خراسان و کوی بارگاه تشکیل شده بود که پراکندگی نسبتاً زیادی داشته است. در مقابل، مساجد و بازارهای محله بکرآباد (محله سنی‌نشین) قرار داشته که دارای منبر و دکان‌ها با نقاشی‌های دیواری بوده است. در بخش مرکزی شهر، کاخ و میدان قرار داشت و گورستانی در آن سوی رودخانه گرگان‌رود بود که به وسیله پل‌های چوبی و آجری به شهر متصل می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۲۴). در عصر سلجوقی این نابرابری شکل معکوسی به خود می‌گیرد و فضاهای بخش سنی‌نشین و به اصطلاح رض با توسعه خیابان‌ها و معابر عمومی و محلات و بازار شکل پیچیده‌تری از شهر را به نمایش می‌گذارد. به عبارت دیگر، تبدیل شهر ۳۰۰ هکتاری قرون اولیه گرگان به شهری به وسعت ۱۲۰۰ هکتار و ایجاد سامانه دفع پساب‌های شهری از طریق کانال‌کشی و هم‌چنین سامان‌دهی و ساخت خیابان‌های آجرفرشی که به صورت عمودی و افقی همدیگر را قطع می‌کردند از جمله دستاوردها و نوآوری‌های عصر شکوفای سلجوقی در تحولات اجتماعی گرگان است (شکل ۱). خیابان‌های چهارگانه شهر محدوده امامزاده یحیی بن زید تا مقبره قابوس بن وشمگیر و گرگان‌رود تا زمین‌های کشاورزی اطراف را در برمی‌گرفت. کاوش‌های باستان‌شناسی اخیر نیز بخش‌های گسترده‌تری از الگوی حاکم بر شبکه‌بندی خیابان‌های شهر و مناطق مسکونی با کانال‌های سرپوشیده دفع فاضلاب را به نمایش می‌گذارد (مرتضایی، ۱۳۸۶: ۲۲۶-۲۰۴) (شکل ۲). گفتنی است با ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی در عصر سلجوقی، هنرها و صنایع از رشد چشم‌گیری برخوردار شدند، به گونه‌ای که آثار آن را در کف خیابان‌های شهر که با آجر با اشکال تزئینی فرش شده بودند، می‌توان تشخیص داد. یکی دیگر از مؤلفه‌های پویایی اجتماعی جامعه شهری گرگان، تنوع فنون و صنایع بوده است که در اشکال هنرهای ظریف سفال‌گری، فلزگری، شیشه‌گری و... بازتاب داشته است. رونق و درخشش بخش‌های صنعتی جامعه بازخورد مؤثری در بین اقشار هنرمند و اصناف به وجود آورد و موجب‌عالیت بیشتر اقتصادی آن‌ها شد. این امر در پیچیدگی فناوری تولیدات سفال‌گری شهر به روشنی قابل مشاهده است. گرگان به گواه یافته‌های سفالی حاصل از کاوش‌های باستان‌شناختی، در دوران سلجوقی و خوارزمشاهیان یکی از مراکز عمده تولید سفالینه‌های زرین‌فام بوده است و امروزه سبک سفالینه‌های زرین‌فام گرگان از شهرت جهانی برخوردار است (واتسون، ۱۳۸۲: ۴۸-۴۷). تولید این گونه سفالی، زرین‌فام، که به نوعی از سفالینه‌های تجملی و تزئینی دوران اسلامی محسوب می‌شود، گواه ثروت انباشته در بین طبقات مرفه‌شهر است. زیرا استفاده و تولید این گونه سفالی، خاص طبقه اشراف و ثروتمند شهرها بوده است.

آن‌چه از منابع مکتوب تاریخی و جغرافیایی مستفاد می‌شود این است که جامعه شهری گرگان، در قرون اولیه و میانی اسلامی به دلیل مناقشات سیاسی و مذهبی بین فرق و قومیت‌های گوناگون، از وحدت برخوردار نبوده و هر یک از اقلیت‌ها با توجه به حمایت‌های خارجی، در پی دستیابی به قدرت محلی بوده‌اند. این امر موجب گسترش شهر در بخش‌های مختلف به صورت نامنظم شده است. به طوری که شکل شهر در زیربخش‌ها از نظمی منطقی پیروی نکرده و به صورت چندضلعی غیرمنتظم تجلی یافته است. نگارنده بر این باور است که نزاع‌های قومی - قبیله‌ای و تشتت آرا در میان اقلیت شیعه و اکثریت سنی در شهرهایی چون گرگان، نیشابور و ری موجب رشد نامناسب فیزیکی در بافت شهری شده است. این موضوع، علاوه بر برهم زدن نظم فضایی شهر، موجب تخریب بخش‌های قدیمی‌تر به منظور ساخت و سازهای جدید نیز شده است.

۵. نتیجه‌گیری

شهرهای ایران در قرون اولیه و میانی دوران اسلامی بستر پویایی برای تحولات اجتماعی محسوب می‌شوند. تحولاتی که در عرصه دین و مذهب، سیاست، اقتصاد، و فرهنگ جامعه تجلی می‌یابد. شهرهای ایران در گونه‌شناسی، به چند دسته کلی نظامی، اداری -

^۴ اگرچه منابع تاریخی حکایت از سازمان‌دهی و ساخت و ساز اولیه شهر در دو دوره امویان و عباسیان دارد، به دلیل نبود ساختار فضایی منسجم و فقدان یافته‌های باستان‌شناسی از ادوار یادشده نمی‌توان این دو دوره را مرحله شکل‌گیری اولیه شهر قلمداد کرد. هم‌چنین در دوره کوتاهی از حکومت زیاریان، گرگان کرسی دوم حکومت زیاریان شد. از شاه‌کارهای معماری این دوره می‌توان به ساخت بلندترین برج آجری جهان - برج گنبد قابوس (۳۹۷ق) - به دستور قابوس بن وشمگیر زیاری، چهارمین پادشاه زیاریان، اشاره کرد (کیانی، ۱۳۷۹: ۴۵-۴۴).

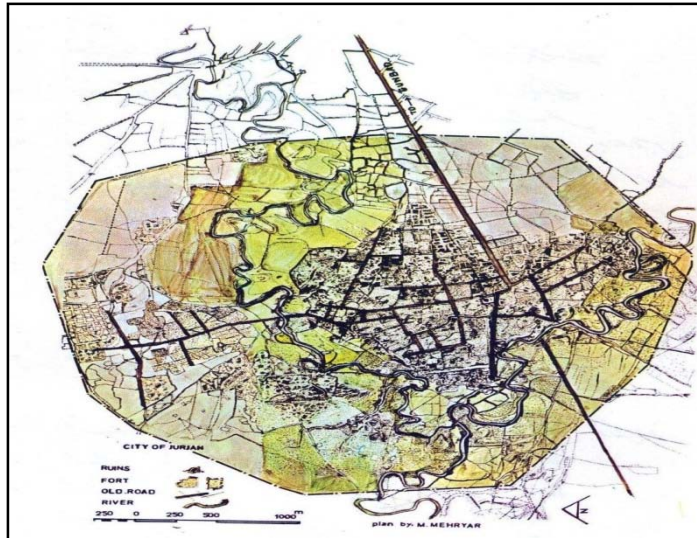
سیاسی، تجاری و مذهبی تقسیم می‌شود. از این میان، شهرهای بزرگی چون ری، نیشابور، اصفهان و گرگان در حوزه کارکردهای اقتصادی و تجاری سهم عمده‌ای داشته‌اند. اهمیت شهرهای فوق با توجه به جغرافیای مکانی و ظرفیت‌های بالقوه در فرآیند تکوین، توسعه و فروپاشی آن‌ها تعریف می‌شود. در پاسخ به پرسش اول این نوشتار، شهر گرگان در تحلیل تاریخی، با ساختار اجتماعی شهرهای قرون اولیه و میانی انطباق کامل دارد. شاهد این ادعا در بافت شهری قابل پی‌گیری است. به صورتی که شهر در قرون اول تا چهارم قمری با ساختار و طبقه‌بندی اجتماعی قبل از اسلام، در جستجوی ارائه تصویری روشن از سازمان اجتماعی عصر ساسانی با تقسیم به سه بخش ارگ، شارسنان و ریض است. مرکز قدرت و سازمان اداری در ارگ متمرکز بوده و لایه‌های امنیتی و دفاعی سراسر ارگ را در بر می‌گرفته است. شارسنان بخش مسکونی شهر به شمار می‌آمده که اقشار و طبقات اجتماعی برحسب مؤلفه‌های ثروت، وابستگی به قدرت سیاسی و حاکمیتی، هریک به صورت سلسله‌مراتبی در بخش‌های مرفه و اعیان‌نشین و بخش‌های دیگر استقرار می‌یافتند. در نهایت نیز منطقه ریض قرار داشت که زمین‌های زراعی آن، محلی برای امرار معاش طبقه دهقانان و پیشه‌وران به شمار می‌رفت. ساختار و طبقات اجتماعی شهر گرگان در عصر سلجوقی، شکل جدیدی به خود گرفت و شاهد جابه‌جایی قدرت سیاسی و اقتصادی از بخش ارگ‌نشین به منطقه ریض بود. یافته‌های معماری و باستان‌شناسی حاکی از توسعه فیزیکی ریض در شهر گرگان بوده است. این مهم بیشتر به دلیل تغییر در سیاست‌گذاری‌های سلاطین سلجوقی در اتکای حکومت به بخش‌های اقتصادی بوده است. از آن‌جا که طبقه کشاورز و تاجر در تولید ثروت و گردش سرمایه نقش اساسی داشتند، گسترش بخش شارسنان و ریض در این دوره رخ می‌دهد و قدرت اجتماعی شهر از منطقه سیاسی - نظامی ارگ به بازار در منطقه ریض منتقل می‌شود. در پاسخ به پرسش دوم، شهر در جهت توسعه بخش‌های صنعتی در عصر سلجوقی پیش می‌رود. رشد فزاینده کارگاه‌های آجریزی، سفال‌گری، فلزکاری و شیشه‌گری که در کاوش‌های باستان‌شناسی کشف شده و نیز توانمندی‌های محیطی شهر در تولید و پرورش اقلام مهمی چون ابریشم، نشان از جایگاه مهم این شهر در تجارت ابریشم در سطح بین‌المللی دارد. بنابراین می‌توان شهر گرگان را در زمره شهرهای صنعتی و تجاری قلمداد کرد که در سطح منطقه‌ای با شهرهای نیشابور، آمل و ری رقابت داشته است. اقتصاد مبتنی بر کشاورزی به همراه نقش واسطه‌ای شهر در معاملات بازرگانی بر اهمیت شهر گرگان (جرگان) در قرون سوم تا ششم هجری تأکید دارد. تنوع گونه‌های بی‌شمار سفالی و دیگر اشیای به دست آمده از محوطه شهرهای یادشده نشان از ارتباطات گسترده فرهنگی و اقتصادی میان بخش‌های وسیعی از جغرافیای سیاسی تحت سلطه خلافت عباسی و سلاجقه دارد.

متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری و توسعه شهر قدیم گرگان را می‌توان در مباحث مطرح شده جستجو کرد. شرایط مناسب محیطی و ثبات سیاسی و اقتصادی ناشی از اعمال سیاست‌های اقتصادی نظیر روش‌های زمین‌داری به صورت اقطاع و خراج‌های سنگین، از دلایل اصلی روند توسعه شهر بوده است. همان‌طور که توضیح داده شد، در طی این فرآیند، عوامل متعددی در نوع و چگونگی اجرای این دو مرحله تأثیر داشتند. بنابراین، شهر گرگان محصول سیاست‌های اقتصادی حکومت سلجوقی و توانمندی‌های محیطی است. در حیات اجتماعی هر جامعه شهری، عواملی هستند که در کنار تکوین و توسعه موجبات تهدید و زوال شهر را فراهم می‌کنند. مناقشات سیاسی، قحطی و خشکسالی، بیماری و رخدادهای طبیعی، از نمونه‌های بارز این عوامل هستند. در تاریخ اجتماعی شهر گرگان، هجوم ویرانگر مغول در سال ۶۱۸ ق نقطه آغاز فرآیند انحطاط سیاسی و اقتصادی شهر محسوب می‌شود. به موجب این هجوم وسیع، بخش بزرگی از ساکنان شهر به مناطق کوهستانی پناه بردند و شهر خالی از سکنه شد. با توجه به مقیاس کلان نابودی، شهر استرآباد جایگزین این شهر شد. افزون بر این، زلزله‌های مهیبی که در سال‌های ۸۳۴ ق، ۸۷۴ ق و ۹۰۳ ق رخ داد، به تخریب بخش اعظمی از فضاهای شهر و ترک ساکنان آن، انجامید. این رخداد هم‌چنین موجب تخریب زیرساخت‌های اصلی شهر نظیر مناطق مسکونی، بازار و سامانه دفع پساب‌های شهری شد و زمینه‌های اولیه را برای ترک همیشگی این شهر فراهم ساخت.

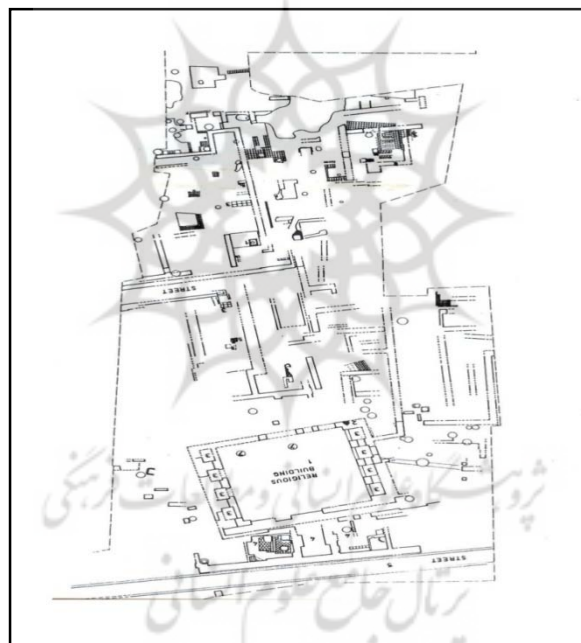
منابع

- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۶۶) *صوره الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله (۱۳۷۱) *مسالك و ممالک*، تصحیح سعید خاگرد، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.
- ابن‌رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵) *علاق‌النفیسه*، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی (۱۳۴۹) *مختصر البلدان*: بخش مربوط به ایران، ترجمه ح. مسعود، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل (۱۳۴۹) *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ادیبی، حسین (۱۳۵۴) *جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳) «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۴: ۷-۴۹.
- انصاری دمشقی، شمس‌الدین محمدبن ابیطالب (۱۳۸۲) *نخبه الدهر فی عجایب البر والبحر*، ترجمه سیدحمید طیبیان، تهران: انتشارات اساطیر.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیر وویچ (۱۳۷۵) *جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام*، ترجمه لیلا زبن شه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۴) *از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن*. تفکر و تأثر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راوندی، مرتضی (۱۳۶۴) *تاریخ اجتماعی ایران: حیات اقتصادی مردم ایران از آغاز تا امروز*، تهران: ناشر مؤلف.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۵) *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*، تهران: نشر آبی.
- عبدی، کامیار (۱۳۷۹) *مبانی نظری باستان‌شناسی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فریور صدری، بهرام (۱۳۸۰) «بافت و ساختار فضایی شهرهای سنتی ایران»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور: ۶۵۷-۶۱۵.
- فلامکی، منصور (۱۳۶۶) «شکل‌گیری شهرهای ایران»، در: *شهرهای ایران*، محمدیوسف کیانی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کلوزنر، کارلا (۱۳۶۳) *دیوان‌سالاری در عهد سلجوقی (وزارت در عهد سلجوقی)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کونن، بروس (۱۳۸۴) *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعلی توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۵) *نظری اجمالی بر شهرنشینی و شهرسازی در ایران*، تهران: انتشارات سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۹) *تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی*، تهران: انتشارات سمت.
- لمبتون، کاترین سینفورد (۱۳۷۷) *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لمبتون، کاترین سیمفورد (۱۳۸۱) *ساختار درونی امپراتوری سلجوقی*، تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مرتضایی، محمد (۱۳۸۶) *مطالعه زیرساخت‌های طبیعی و فرهنگی در شکل‌گیری شهر گرگان (جرجان) در دوران اسلامی با مطالعه موردی کاوش در محوطه اسلامی شهر جرجان*، رساله دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، منتشر نشده.
- مقدسی، ابو عبد الله محمد بن احمد (۱۳۶۱) *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مفورد، لوئیز (۱۳۸۱) *جامعه مدنی در گذر تاریخ*، ترجمه احمد عظیمی بلوریان، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- یوسفی فر، شهرام (۱۳۸۴) *تأملاتی در مقوله شکل شهر و مناسبات شهرنشینی در سده‌های میانه تاریخ ایران*، فصلنامه فرهنگ، شماره ۵۶: ۲۶۱-۲۱۷.
- واتسون، الیور (۱۳۸۲) *سفال زرین فام ایرانی*، ترجمه شکوه ذاکری، تهران: انتشارات سروش.



شکل ۱. بافت شهری گرگان در دوران سلجوقی و خوارزمشاهیان (مأخذ: کیانی، ۱۳۶۵)



شکل ۲. نمونه‌ای از کارگاه سفالگری شهر قدیم گرگان (مأخذ: مرتضایی، ۱۳۸۶)